

تعمید نوزادان در الهیات اصلاحات و خاستگاه کتاب مقدسی آن

(ادوین کشیش آبنوس)

چرا کلیساهای انجیلی، نوزادان را تعمید آب می دهند؟

باید اعتراف کرد که آموزه تعمید آب، در طی تاریخ، یکی از آموزه هایی بوده که مباحث بسیاری پیرامون آن مطرح گشته و در نهایت تنوع نظرات تا به امروز نیز در این خصوص باقی است. کلیساهای کاتولیک و اوتدوکس شرق، به گونه ای متفاوت به این مسئله می نگرند (که البته قصد من در این مقاله پرداختن به دیدگاه این دو کلیسا نیست، و مسلما به عنوان یک پروتستان، تعمید آب نوزادان کلیسای کاتولیک را وسیله بخشش گناه اولیه و لازمه نجات می داند نمی پذیرم) و کلیساهای پروتستان نیز به دو گروه مختلف در این خصوص تقسیم شده اند که البته این اختلاف نظر را دلیل کافی و مناسب برای رد یکدیگر نمی دانند. در هر صورت، تعمید آب را بسیاری به درستی آبهای متلاطم ترین خوانده اند.

آنچه در این مقاله مطرح خواهیم کرد، نگاهی گذرا به دلایلی خواهد بود که برخی از کلیسا تعمید نوزادان را، آموزه کتاب مقدسی می دانند (تکرار می کنم این نگرش با کلیساهای کاتولیک و اوتدوکس متفاوت است).

باید اعتراف کرد بسیاری، نوزادان خود را بخاطر دلایل غرکتاب مقدسی تعلیم می دهند. برخی مجذوب شیرینی و زیبایی این مراسم شده و مایل هستند که خود نیز از آن لذت ببرند و گروهی نیز بخاطر سنتهایی که در کلیسا و یا حتی خانواده مرسوم است، نوزادان خود را تعمیم می دهند، برخی هم گمان می برند که آب مقدس، در زمان تعمیم، بنوعی مافوق الطبیعه ای، فرزندشان را از جهنم نجات خواهد بخشید.

این را به شما اطمینان می دهم که هیچکدام از دلایل فوق، الهام بخش تعمیم نوزادان در کلیسای انجیلی نمی باشد، و خاستگاه چنین مراسمی در این کلیسا، کلام زنده خدا است.

قصه دارم در این مقاله کوتاه، دلایل و استدلالهای کتاب مقدسی که در این خصوص مورد استفاده این کلیسا قرار می گیرد را با شما در میان بگذارم تا حداقل اگر کسی با این سنت کلیسای انجیل مخالف است، با دلایل ایشان آشنا باشد و مرتکب سفسطه مرد پوشالین نگردند.

عهد ایمان

در کلام خدا می خوانیم که ابراهیم پدر ایمانی ما بوده و ما فرزندان روحانی ابراهیم هستیم. این مفهوم مهمی که در کتاب مقدس یافت می شود، به این حقیقت اشاره می کند که تمام قوم خدا، (یهودیان و امتهای) در گذشته و هم اکنون) بجهت عهدی که خدا با ابراهیم بست (وعده برکت) مبارک هستند. خدا در این عهد جاودانه، قول داد که ابراهیم و ذریت وی، برکات خدا را با ایمان خواهند دید. (پیدایش ۱۵: ۱-۶، ۱۷: ۸-۱) کلام خدا به ما نشان می دهد که کسی نمی توانست برکت الهی را بر اساس صلاحیت و نیکویی خویش و یا انجام مراسم مذهبی که خدا را خشنود سازد، دریافت نماید. این برکت، محض رحمت و فیض الهی، پیش از اینکه ابراهیم (و ما) بتواند شایستگی خود را برای دریافت این برکت ثابت کند، وعده این برکت به ابراهیم و ذریت وی بخشیده

شد. (پیدایش ۱۷: ۷) (خدا وعده داد تا ابراهیم و نوادگان وی محض فیض بوسیله ایمان برکت یابند (افسیان ۲: ۸-۹))

اما امروز این وعده، که خدا با یکی از پطریاخرهای یهود، یعنی ابراهیم بسته است، به کلیسای مسیح چه ارتباطی دارد؟

پولس رسول به ما یادآور می شود که خدا به ابراهیم گفته بود: (امتها از طریق تو مبارک خواهند شد) (پیدایش ۳: ۸، ۱۲: ۳) این وعده جاودانی که خدا با ابراهیم بسته بود (پیدایش ۱۷: ۷) امروز هم کارساز و موثر و زنده است.

پولس رسول می نویسد: بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایماندار برکت می یابند. (غلاطیان ۳: ۹)

این بدان معنی است که ما که بر عیسی مسیح به عنوان متوسطی که خدا توسط او نجات را برای ما مهیا ساخته اعتماد کرده، ایمان داریم، بر اساس عهد ابراهیم، مبارک هستیم (ما این وعده را دریافت نموده ایم) ما فرزندان روحانی ابراهیم هستیم، و هنوز هم زیر آن عهدی می باشیم که خدا با ابراهیم بست.

پولس رسول می نویسد:

چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد. پس آگاهید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم هستند. (غلاطیان ۳: ۶-۷)

ایمانداران امروز، از طریق عهد جاودانی که با ابراهیم بسته شده است، فرزندان و نسل ابراهیم محسوب می گردند.

هیچ راه دیگری وجود ندارد تا شخص، فرزند خدا گردد مگر اینکه وارد این عهد جاودانه که به ابراهیم داده شد گردد. هیچ عهد نجات دیگری وجود ندارد، تا زمانی که جز خانواده و نسل ابراهیم نشده ایم، در حقیقت جز قوم خدا نیستیم. هم‌منظور که پولس می گوید:

تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امت‌ها آید و تا وعده روح را به‌وسیله ایمان حاصل کنیم. (غلاطیان ۳: ۱۴)

آنانی که به مسیح، به نجات دهنده خود، ایمان دارند، وعده عهد ابراهیم را که در حقیقت فرزندان وی هستند را دریافت می‌کنند. محدودیت زمان و مکان آنها را از گرفتن این برکت مانع نمی‌شود

اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هرآینه نسل ابراهیم و برحسب وعده، وارث هستید. (غلاطیان ۳: ۲۹)

نشان عهد

پس از اینکه خدا با ابراهیم عهد را بست، و او را و نسل وی را، به‌وسیله ایمان برکت داد؛ خدا در این راستا، نشانه‌ای را جهت عهد تعیین کرد تا هم آنانی را که در این عهد وارد شده‌اند نشانه‌گزار می‌نماید و هم عهد خود را به این وسیله مهر کرده، اهمیت آن را نشان دهد.

مهم است تا به این مسئله توجه کنیم که خداوند این نشانه را پس از اینکه اشخاص با او وارد این عهد شدند بخشید. این عهد، پیش‌نیاز ورود به این عهد نبود بلکه پس از ورود به عهد، شخص آن را برای تأیید حضور در عهد و پذیرش آن، بر خود می‌گرفت. ایمان، تنها شرط ورود به این عهد بود.

نشان ختنه

آن نشان عهدی که خدا به مردم در عهد عتیق بخشید، ختنه بود. بریدن بخشی از پوست آلت تناسلی شخص (مرد) نشان دهنده برداشته شدن نجاست روحانی از شخص بود و نشان می‌داد که برکت عهد خدا که به ابراهیم داده شده بود، به نسلهای بعدی انتقال می‌یابد. (پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۴، تثنیه ۱۰: ۱۰)

۱۶، ارمیا ۴: ۴، کولسیان ۲: ۱۳) این عهد نشان دهنده این نیز بود که قوم خدا برای وی جدا شده و به وی تخصیص داده شده اند و در نتیجه با او و با خانواده خدا (قوم خدا) وارد اتحاد و همبستگی شده اند و هم با خدا و هم با قوم او وارد مشارکت گشته اند. (خروج ۱۲: ۴۸، تثنیه ۳۰: ۶، ارمیا ۴: ۴، ۹: ۲۶)

این مراسم، لاجرم همراه با ریختن خون بود (بخاطر بریدن پوست بدن) و این یکی از ده ها نشانه مختلف در عهد عتیق بود که قربانی خونی عیسی مسیح را پیش بینی می کرد (عبرانیان ۹: ۲۲)

گستره این نشانه

به این جهت که عهد خدا با ابراهیم به خانواده وی امتداد یافت، او باید تمام آنچه که از آن وی و تحت رهبریش بود، به خدا می بخشید و این تعهد و سرسپردگی را با بکارگیری نشانه عهد به نمایش می گذاشت. این بدان معنی بود که هر کسی که زیر رهبری ابراهیم بودند، باید در پذیرش این نشانه شریک می شدند. فرزندان، غلامان و کسانی که زیر چتر حمایت ابراهیم قرار می گرفتند. (پیدایش ۱۷: ۲۳، خروج ۱۲: ۴۳-۴۸)

در دنیای امروز، چنین رفتاری برای ما آشنا و سازگار نیست و معمولاً سر خانه، پدر، برای وضعیت روحانی خانواده تصمیم نمی گیرد. اما چشم اندازی که کتاب مقدس به ما ارائه می دهد، سر خانه را مسئول می داند تا از لحاظ روحانی، به سرسپردگی روحانی خانواده خود اهمیت داده، برقراری آن را دنبال کند. نمایندگی سر خانه، در امور روحانی، در عهد عتیق و همینطور جدید، بسیار جلوه یافته است (افسسیان ۵: ۲۵-۲۷، عبرانیان ۱۱: ۱۷)

این اصل نمایندگی به ما کمک می کند که دلیل اجرا و بکارگیری نشانه عهد را به اهل خانه اش، درک کنیم، هر چند شاید تمام اعضای خانه ابراهیم، ایمان او را ابراز نکرده بودند. ابراهیم اهمیت مقام و وظیفه خود را به عنوان

نماینده خانواده اش در حضور خدا درک کرده بود. این اصل به ما کمک می کند تا صحبت‌های پولس رسول را در عهد جدید که در مورد مقدس بودن فرزندان خانواده ای که یکی از والدین ایماندار است صحبت می کند بفهمیم. (اول قرنتیان ۷: ۱۴)

آیات دیگری هم هستند که نشان می دهد که خدا فیض خود را به فرزندان در زمانی که در خانواده مسیحی هستند می بخشد. کتاب مقدس به ما این وعده را نمی دهد که فرزندی که در سن بلوغ از ایمان خانواده خود گمراه شده اند، نجات را دریافت خواهند کرد، اما تا زمانی که تحت اقتدار خانواده خود باقی بمانند، توسط والدین خود در حضور خدا نمایندگی خواهند شد.

این نمایندگی که در کتاب مقدس به ما تعلیم داده می شود، در حقیقت بیان کننده این مطلب نیز است که فرزندان مونث و کلا زنان در یک خانواده از این عهد بی بهره نبودند. هر که در این عهد بودند، از جمله فرزند خواندگان، غلامان، به همان اندازه که فرزندان خونی، به یک اندازه از برکات این عهد، فیض می بردند.

این مفهوم در عهد جدید، جایگاه پر رنگی دارد:

زیرا همگی شما به وسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می باشید. زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید. هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می باشید. اما اگر شما از آن مسیح می باشید، هرآینه نسل ابراهیم و برحسب وعده، وارث هستید.

(غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹)

رابطه بین عهد و مهر

اما هنوز این پرسش باید پاسخ داده شود که چرا نشانه عهد، یعنی ختنه باید بر روی کسانی که ایمان ابراهیم را به همراه وی ابراز نکرده بودند قرار می گرفت. زیرا که عهد بسته شد تا برکت خدا را بر کسانی که به او اعتماد کردند نشان دهد و چون اساس این عهد بر روی ایمان بنا شده بود، پرسش باقی است که چرا خدا به ابراهیم گفت تا اهل خانه اش را که هنوز به ایمان وی، همصدا نبودند ختنه کند؟

هرچند ممکن است اهل خانه ابراهیم بعدها به وعده ایمان آورد، اما کسی نمیتواند انتظار داشته باشد که این افراد در سن هشت سالگی که ختنه شدند، چنین ایمانی را اعلام کرده باشند. (پیدایش ۱۷: ۱۲)

بنابراین برای چه دستور اعمال نشانه عهد به ابراهیم بجهت انتقال به تمام اهل خانه اش داده شد.

پاسخ این پرسش، در حقیقت کلید فهم ما برای تعمید نوزادان در عهد جدید است.

آیا عدم ابراز ایمان، مانع انجام اعمال نشانه عهد به فرزندان خانواده ایماندار می گردد؟

البته در عهد عتیق، چنین مانعی وجود نداشت و عهد جدید دلیل آن را به ما می گوید. پولس رسول می گوید که ختنه، در کنار اینکه نشانه بود، مهر عدالتی نیز بود که ابراهیم بوسیله ایمان دریافت کرد. (رومیان ۴: ۱۱) این دو، یعنی نشانه و مهر، به ما در فهم، مراسم عهد (تعمید) کمک خواهد کرد.

تصویر و سمبل مهري که پولس رسول از آن سخن می گوید، به همانند مومی است که بر روی نامه ای ریخته شده و با نشانی علامتگذاری می شد تا حقانیت و درستی نامه را تصدیق کند. این مهر دلالت بر امانت نویسنده نامه می کند که قول می دهد، آنچه را که در نامه نگاشته است را وفا خواهد

نمود. ختنه هم آن طریقی بود که خدا بوسیله آن، قوم خود را نشانه گذاری کرده، به عهد خود با آنانی که ایمان به او را ابراز کرده بودند، احترام گذارد.

همانطور که نویسنده نامه با مهر، اعلام می کرد که تمام مفاد نامه را به انجام رساند، به همین طریق خدا نیز، با نشان ختنه اعلام کرد که در صورت ایمان شخص، برکتهای عهدهی را که وعده داده است در زندگی ایمانداران جاری خواهد ساخت.

توجه داشته باشید که ایمان ما، عهد خدا را بوجود نمی آورد. خدا بر اساس ایمان ما، عهد نمی بندد و به این وسیله ایمان به ما امتداد نمی یابد، زیرا کلام می گوید که پیش از بنیاد عالم، او ما را برگزید (افسیان ۱: ۴) اما ایمان، برکات این عهد را اعلام نموده آن را دریافت می کند.

اعتبار این مهر، بسته به زمانی که شرایط عهد اجرا گردد نمی باشد. همانند مهر آن نامه، نشانه عهد نیز، پیش از اینکه شخص مفاد آن را بجا آورد و آن را بپذیرد، می تواند منقوش گردد. این نشانه (مهر) در حقیقت گویای این مطلب است که پیش از اینکه شخص به این عهد وفادار بوده، آن را پذیرفته و اجرا نماید، خدا آشکارا اعلام می کند که در صورتی که شرایط مطلوب کسب گردید، برکات وعده داده شده، افاضه خواهد شد. خدا این انتظار را ندارد تا منتظر شود تا فرزندان ایمانداران بزرگ شده، تا در بلوغ او را تایید و یا رد، پیروی و یا ترک نمایند تا آنگاه این نشانه را بر آنها بگذارد.

ادامه عهد

نویسندگان عهد جدید و رسولان، تلاش کردند تا به ما بگویند، اصول عهد ایمان، امروز هم به قوت خود باقی است و به ما نیز مربوط می گردد. (لوقا ۱: ۶۸-۷۵) (اعمال ۳: ۲۵)

زمانی که پطرس در روز پنیتکاست موعظه می کند او به هزاران شنونده یهودی که در آنجا حاضر بودند می گوید:

پطرس بدیشان گفت، توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند. (اعمال ۲: ۳۸-۳۹)

پطرس دعوت به ایمان به مسیح را در ساختار عهد بیان می کند که برکات این عهد به ایشان، فرزندان و به آنانی که دورند تعلق خواهد یافت. پیش فرض صحبت‌های پطرس این است که اصول این عهد هنوز به قوت خود باقی است. افراد (حتی آنانی که جز اهل خانه ایمانداران هستند) موظفند تا ایمان خود را ابراز نمایند، اما در همان حین، خدا فیض خود را به ایمانداران و اهل خانه او افاضه خواهد نمود.

پولس رسول در خصوص ادامه عهد ابراهیم و بیانات آن آشکارتر صحبت می کند.

پس آگاهید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم هستند. (غلاطیان ۳: ۷) او ادامه داده می گوید: مقصود این است عهدی را که از خدا به مسیح بسته شده بود، شریعتی که چهارصد و سی سال بعد از آن نازل شد، باطل نمی سازد بطوری که وعده نیست شود. اما اگر شما از آن مسیح می باشید، هرآینه نسل ابراهیم و برحسب وعده، وارث هستید. (غلاطیان ۳: ۱۷، ۲۹)

هر چند این فیض و برکت شامل حال، ایماندار و اهل خانه او می شود اما هر شخص باید جداگانه و بصورت انفرادی ایمان خود را ابراز نمایند.

تغییر در نشانه عهد

با اینکه عهد به همان صورت باقی می ماند، اما صورت نشانه عهد (مهر) تغییر می کند. ختنه که نشانه و مهر خونی بود که به شخص مسیح و قربانی وی اشاره می کرد، پس از اینکه این قربانی به کمال رسید دیگر تکرار نمی شود و شکل و صورت آن تغییر می یابد. (عبرانیان ۱۰: ۱۰، اول پطرس ۱: ۱۸) به همین جهت، ایمانداران عهد جدید، نشانه تازه ای را که دلالت بر، به کمال رسیده شدن کار مسیح دارد دریافت می کنند. تعمید آب، نشانه پاکی و شسته شدن گناهان ما می باشد (اعمال ۲۲: ۱۶، اول قرن ۶: ۱۱ عبر ۹: ۱۴) پولس رسول آنانی که را که اصرار می ورزیدند تا نشانه خونی را یعنی ختنه را دریافت کنند، توبیخ می کند (غلاطیان ۵: ۶) ختنه دیگر برای آنانی که ایمان می آورند، الزامی نیست. (اول قرنتیان ۷: ۱۸-۱۹) نشانه ای که امروز، زن و مرد، یهود و غیر یهود دریافت می کنند، تعمید آب است. (اعمال ۲: ۳۸، ۸: ۱۲، ۱۰: ۴۷-۴۸) هر چند نشانه عهد تغییر می کند اما ساختار عهد همچنان باقی است. خدا محبت خویش را به آنانی که به او ایمان می آورند نشان می دهد و وارد عهدی که خدا با ابراهیم بسته است می گردند (افسسیان ۳: ۶) وعده ها از طریق والدین به فرزندان امتداد می یابد (اعمال ۲: ۳۸-۳۹) اما این انتظار می رود که فرزندان باید خود به مسیح اعتراف کنند تا برکت کامل را که در حقیقت همان نجات است دریافت نمایند.

پولس رسول، با تاکید بر ادامه عهد و تغییر نشانه آن به ایمانداران کولسی می گوید:

و در وی مختون شده اید، به ختنه ناساخته به دست، یعنی بیرون کردن بدن جسمانی، به وسیله اختتن مسیح. و با وی در تعمید مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید. (کولسیان ۲:

۱۱-۱۲)

نجات از طریق ایمان می آید و نشانه عهد در این مراسم ورود به عهد، به تعمیم آب تغییر یافته است. و چون این نشانه تغییر یافته است، ایمانداران عهد جدید باید این نشانه را که تعمیم آب می باشد برای نوزادان خود انجام دهند. تعمیم آب در نقش نشانه و مهر، برای اهل خانه ایماندار به کار خواهد رفت، همانطور که پولس رسول می فرماید:

و علامت ختنه را یافت تا مهر باشد بر آن عدالت ایمانی که در نامختونی داشت، تا او همه نامختونان را که ایمان آورند پدر باشد تا عدالت برای ایشان هم محسوب شود؛ (رومیان ۴: ۱۱)

این نشانه به معنی پاک شدن و شسته گشتن گناهان خواهد بود و به عنوان مهر، تعهد بیرونی و مشهود خدا به انجام و افاضه برکات عهد به آنانی است که مفاد عهد را به جا آورند.

اساس کتاب مقدسی برای تعمیم نوزادان

بر چه اساسی ایمانداران عهد جدید، نوزادان خود را با این باور که عهد ابراهیم به عهد جدید امتداد یافته و نشانه عهد به تعمیم آب تغییر یافته است، تعمیم می دهند؟ مسیحیان برای پذیرش آموزه های مسیحی به دنبال آیات و خاستگاه کتاب مقدسی می باشند. هر چند آن گروهی که به تعمیم نوزادان معترف هستند، می دانند که اشاره مستقیم به این سنت در کتاب مقدس موجود نیست. اما با وجود این، فقدان اشاره مستقیم به تعمیم نوزادان خود به تنهایی دلیل بر رد این آموزه نگشته است زیرا که در طی تاریخ در خصوص این مطلب، مباحث طولانی سرگرفته است. پیروان این نگرش، معتقد هستند که در عوض دلایل کتابمقدسی دیگری در تایید این نوع تعمیم در کلام بسیار است.

فقدان تعلیمی بر ضد آن.

همانطور که پیروان این سنت باید با فقدان اشاره مستقیم به تعمید نوزادان دست و پنجه نرم کنند، مخالفان این نظر هم باید با فقدان وجود نهی این آموزه دست و پنجه نرم کنند.

همانطور که پیشتر دیدیم، پولس رسول به تفصیل در خصوص ادامه عهد ابراهیم به عهد جدید سخن راند. دو هزار سال پیش از اینکه خدمت رسولان آغاز گردد، قوم خدا، نشانه این عهد را بر فرزندان خود قرار می دادند. بنظر می رسد که اگر چنین آموزه و تعلیمی (قرار دادن نشان بر فرزندان ایمانداران) از طرف رسولان منع می گشت، باید تعلیمی بر ضد آن و در راستای توقف این سنت در کلیسا نیز نشر می دادند. رد این سنت و تغییر آن به نوع و روشی دیگر، در حقیقت تغییری جدی و بنیادی بر این سنت قدیمی و تاریخی قوم اسرائیل می بود. این نشانی بود که جز جدا نشدنی باور یهودی در خصوص ادامه عهد ابراهیمی بود. در جاهایی که هم جلوتر با هم نگاه خواهیم کرد، می بینیم که پس از اینکه شخص ایمان می آورد، تمام اهل خانه تعمید آب می گیرند. با وجود ادامه عهد ابراهیم به عهد جدید، برای یک یهودی، بسیار غریب می نمود که فرزندان خود را وارد این عهد نکند. بنابراین فقدان وجود وجود نهی این نوع تعمید، در متن تاریخی و مذهبی قوم یهودی و معنا و اجرای نشانه عهد، خود به تنهایی دلیل ارزشمندی برای پذیرش تعمید نوزادان می تواند باشد.

مثال تعمید اهل خانه

یکی دیگر از دلایلی که در مقابل تعمید بزرگسالان ارائه می شود، فرمان رسولان برای تعمید تمام اهل خانه شخصی که به مسیح ایمان آورده، است. کسانی که با تعمید نوزدان مخالف هستند درخواست نمونه ای از کلام می کنند و البته اعتراف می کنیم که اشاره مستقیمی در کلام در این خصوص وجود ندارد. اما باید صادق بود و پرسش دیگری هم پرسید. آیا نمونه ای در کلام

وجود دارد که اهل خانه بخاطر ایمان شخصی که خود به مسیح ایمان آورده است، تعمید یافتند؟ و پاسخ البته مثبت است.

زمانی که گزارشهای عهد جدید را مطالعه می کنیم، هر گروهی که اهل خانه اش در زمان ایمان آوردن وی حاضر بوده اند، آنها نیز تعمید گرفتند.

عضویت اهل خانه

پیش از اینکه به این گزارشات بپردازیم باید این مطلب را بررسی کنیم که چه کسانی اهل خانه شخص حساب می شدند. اگر به عهد عتیق بازگردیم، و به صفحات آن بنگریم، به زمانی که نشان عهد برای نخستین بار اعمال شد، متوجه می شویم که اهل خانه ای که در آنجا اشاره شده است، افراد مختلفی را در خود جای می داد. همسر، فرزندان، فامیلهایی که با وی ساکن بودند، غلامانی که مزد نمی گرفتند (پیدایش ۱۴: ۱۴-۱۶، ۱۷۲: ۲۳، خروج ۱۲: ۳-۴) چنین فهمی از «اهل خانه» درکی بود که یهودیان برای دو هزار سال داشتند، و اینکه گمان کنیم که نویسندگان عهد جدید، مفهوم دیگری از اهل خانه در ذهن داشتند، درست نمی نماید. و اگر مفهوم دیگری در ذهن داشتند، مسلماً با آنچه در طی تاریخ مطرح بود، تفاوت ژرفی می داشت. و هیچکدام از نویسندگان عهد جدید، مفهوم تازه ای از اهل خانه را که در آن فرزندان جز آن نباشند ارائه ندادند.

اما چیزی که امروز برای ما که در قرن ۲۱ زندگی می کنیم، غریب می باشد، تعلیم کتاب مقدسی نمایندگی است. (سر بودن خانه). جامعه فردگرای ما، مفهوم عهد خدا با خانواده را کمی ثقیل و غریب می داند. همانطور که پیشتر هم توضیح دادیم، ایمان کسی که سر خانه، و نماینده خانواده محسوب می شد، جهت زندگی و رفتار کل خانواده را تعیین می کرد. به همین خاطر وقتی زندانبان اهل فیلیپی از پولس می پرسد که «چه کنم تا نجات یابم؟» پاسخی که پولس می دهد، کتاب مقدسی و همینطور از چشم انداز یک یهودی، طبیعی بود؛ وقتی

گفت: به خداوند عیسی مسیح ایمان آور و نجات خواهی یافت. تو و اهل خانه ات» (اعمال ۱۶: ۳۰-۳۱) منظور پولس این نیست که تمام اهل خانه به شکل خودکار، باور صادقانه ای را به خدا ابراز خواهند نمود، بلکه پیش فرض وی این بود که ایمان کسی که اهل خانه را نمایندگی می کرد، باید نمونه و الگو و تعیین کننده زندگی سایرینی که تحت رهبری وی بودند، گردد. به همین جهت، زندانبان به همراه تمام خانواده خود تعمید آب گرفتند. (۳۳)

گزارشات اهل خانه

این گزارشی که اشاره کردیم، ارزش زیادی دارد زیرا که لوقا، نویسنده اعمال رسولان، اشارات مهمی می کند. او می گوید که تمام اهل خانه تعمید آب گرفتند. (۳۳) اما پس از آن، از فعل مفرد جهت اشاره به شادی و ایمان شخص استفاده می کند. (۳۴) زندانبان به تنهایی ایمان آورد و سپس تمام اهل خانه اش ایمان آوردند. متأسفانه این تمایز ریز در بسیاری از ترجمه های منعکس نگشته است. به همین جهت، بسیاری گمان می برند که دلیل تعمید تمام اهل خانه زندانبان، ایمان اعضای خانه وی بوده است. با اینکه این تئوری (ایمان آوردن تمام اهل خانه) غیرممکن نیست اما بنظر نمی رسد منطقی باشد که فرض کنیم، کودک خردسالی در اهل خانه وی وجود نداشته است. همینطور اینکه لوقا بین کسانی که تعمید گرفتند و کسی که ایمان آورد، تمایز مشخصی قائل شده است و نمی توان آن را به سادگی از نظر پنهان نمود.

نمونه های آشنای دیگری هم در عهد جدید وجود دارد: کرنلیوس و اهل خانه اش. (اعمال ۱۰: ۴۷-۴۸) لیدیا و اهل خانه اش (۱۶: ۱۵) اهل خانه استفانس (اول قرن تیان ۱: ۱۶) کریسپوس و اهل خانه اش (اعمال ۱۸: ۹ و اول قرن تیان ۱: ۱۴)

این فهرست به این معنی نیست که تعمید انفرادی افراد بالغ در عهد جدید وجود ندارد. البته افراد بالغی نیز تعمید گرفتند که ظاهراً خانواده ای نداشتند، افرادی مانند پولس رسول، خواجه حبشی، شمعون جادوگر (اعمال ۸ و ۹)

برخی هم در موقعی که در مسافرت بودند و یا خانواده آنها با ایشان همراهی نمی کردند، تعمید آب گرفتند (اعمال ۲: ۴۱، ۱۹: ۵) ممکن هم است در مواقعی اعضای خانواده از تعمید آب سر باز زده باشند و در حقیقت از تمام شرایط زندگی افرادی که تعمید گرفتند آگاه نیستیم (اعمال ۸: ۱۲) آنچه را که از گزارشات می توانیم بفهمیم این است که هرگاه مرد و یا زنی به مسیح ایمان می آورد، تعمید می یاد و اگر اهل خانه وی به همراه وی نزدشان حاضر بودند، ایشان نیز نشان عهد را یعنی تعمید آب را دریافت کردند.

مقاومت اهل خانه

تکرار تعمید اهل خانه، نشان می دهد که این کار با سنت و باور ادامه عهد ابراهیمی و اعمال نشانه عهد توسط سر خانه، همراستا و همخوان است. و هیچ اشاره و نشانی بر مشمول نبودن کودکان در این عهد در کتب عهد جدید دیده نمی شود، بلکه سنت دو هزار ساله یهود در اعمال نشان عهد ابراهیمی، به همراه فقدان امری بر نهی تعمید نوزادان، نشان دهنده این است که نوزادان نیز تعمید می گرفتند.

اما تعمید نوزادان در جامعه امروز به دلایل زیر مخالفت شده است:

نخست، این افراد با مفهوم ادامه عهد ابراهیمی آشنا نیستند و آن را نمی فهمند و آگاه نیستند که این عهد شامل حال ایمانداران معاصر نیز می گردد.

دوم، با نمایندگی اهل خانه، سر بودن خانه آشنا نیستند.

سوم، با مفهوم مهر، نشان عهد (ختنه و تعمید آب) آشنا نیستند.

چهارم، توجه نمی کنند که فرزندان نیز جز اهل خانه ای بودند که تعمید آب گرفتند.

فواید تعمید نوزادان

آیا باید به این خاطر، کودکان خود را تعمید دهیم چون این آیین مذهبی نجات، و شهروند آسمان شدن آنها را تضمین می کند؟ البته پاسخ منفی است زیرا که هیچ آیین مذهبی بصورت خودکار، فیض نجات را به شخص انتقال نمی دهد. پولس رسول به ایمانداران قرتیان یادآور می شود که اسرائیلیها با اینکه از دریای سرخ رد شده و در حقیقت تعمید گرفتند، اما در نهایت خطاکار و طغیان گر گشتند (اول قرتیان ۱۰: ۱-۱۱)

صرف انجام آیین مذهبی، باعث نجات کسی نخواهد گشت.

پرسش همچنان به قوت خود باقی است، اگر نجات نتیجه و حاصل این آیین نیست، بنابراین به چه علت باید ایشان را تعمید دهیم؟

ما کودکان را تعمید می دهیم زیرا که خدا وعده برکت عهد را به ایمانداران و اهل خانه وی داده است. با اینکار ما خدا را حرمت کرده، با برقرار کردن نشانه عهد، به فیضی که خدا در این عهد به ما افاضه نموده است، اشاره می کنیم و وفاداری خود را نیز به او با زندگی موافق با این عهد و وقف خانه و اهل آن به او نشان می دهیم.

سرسپردگی والدین

والدینی که خدا را دوست دارند، خود و زندگیشان را به خدا تقدیم کرده، اصول زندگی خویش را برای خشنودی وی بر اساس کلام برقرار می کنند. همانطور که ابراهیم پس از ایمان آوردن و وارد عهد شدن با خدا، خود و مایملک خویش را به خدا بخشید، ایمانداران نیز، با ارزشترین خود را یعنی، فرزندانشان را به خدا می بخشند. ما نیز در تعمید فرزندان خود، تعهد خویش را به خدا در

نظارت خداپسندانه خویش به بتصویر می کشیم. با سرسپردگی خود و خانواده خویش، والدین ایماندار، برکات زندگی خداپسندانه را تجربه می کنند. تعمید نوزادان، اعلام و اعتراف عمومی والدین است که آنها به خدا و جماعت قول می دهند تا فرزندان خویش را در حضور خدا بزرگ کنند. و با این کار در مسیر وعده های برکت خدا که در عهد داده شده، وارد شده، گام بر می دارند.

این کار باعث برکت کلیسایی که شاهد سرسپردگی والدین است، نیز برکت می گیرد در کنار این مطلب، حضار با دیدن مراسم تعمید، بیاد می آورند که تنها فیض خدا است که گناهان را پاک کرده، شخص را نجات می دهد. و این اعتراف آشکار در جماعت، اعتماد و تکیه کامل والدین به حفاظت و فیض جهت رشد فرزند خویش و همینطور بخشش گناهان و نجات وی را به نمایش می گذارند.

به همان شکل نیز، تعمید آب فرزندان نشان دهنده این است که والدین در حضور جمع و خدا قول می دهند که در این مسیر رشد فرزند امین باشند. این به آن معنی است که این تعهد از طرف کلیسا نیز می باشد تا تمام ابزار را جهت این خدمت به والدین ببخشد.